

دست‌آورد آموزشی زنان افغانستان در دو دهه نظام جمهوری

سلسله قریشی؛ عضو آکادمی رهبری زنان

چکیده

آموزش یکی از ارکان اساسی توسعه زیربنایی هر کشور به‌شمار می‌رود و از حقوق بنیادین هر فرد جامعه، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی، محسوب می‌شود. پس از روی‌کار آمدن حکومت سرپرست، مکاتب، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی و سایر مراکز آموزشی به‌روی دختران و زنان افغان بسته شد.

با توجه به اهمیت آموزش به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل توان‌مندسازی زنان، آموزش نقش کلیدی در تحول جایگاه اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای آنان ایفا کرده است. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی در پی پاسخ به این پرسش است که: زنان افغان در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ با بهره‌گیری از آموزش و تحصیل چه دست‌آوردهایی داشته‌اند؟

چارچوب نظری این پژوهش، نظریه گری استتلی بیکر است که آموزش را ابزاری برای رشد فردی و توسعه ملی می‌داند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با گسترش آموزش، زنان افغان به سطح بالایی از مشارکت سیاسی از جمله حضور در پارلمان، کابینه و مقاماتی چون والی دست یافته‌اند؛ در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از جمله سینما، رسانه و ادبیات نقش فعالی ایفا کرده‌اند؛ و در زمینه‌های اقتصادی مانند کارآفرینی، اشتغال‌زایی و حتی ورزش نیز حضور چشمگیری داشته‌اند. با وجود چالش‌های امنیتی، فرهنگی و محدودیت‌های ساختاری، زنان افغان توانسته‌اند با اتکا به آموزش و مهارت‌های گوناگون، مسیر تحول اجتماعی را هموار سازند و دست‌آوردهای مؤثری برای جامعه رقم بزنند.

این مقاله با تبیین این دست‌آوردها، بر اهمیت آموزش زنان برای حکومت کنونی و نهادهای بین‌المللی حامی زنان افغان تأکید می‌ورزد تا خاطرنشان شود که اعمال محدودیت‌های جدید نباید باعث غفلت از سرمایه انسانی شکل‌گرفته در این دو دهه شود. در پایان، بر ضرورت بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها و حمایت حکومت سرپرست و نهادهای بین‌المللی از آموزش دختران و بهره‌گیری از ظرفیت زنان در راستای توسعه پایدار تأکید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش زنان، سرمایه انسانی، توانمندسازی

مقدمه

آموزش از حقوق بنیادین بشر است که باید مانند حقوق دیگر بشر، بدون تبعیض، افراد جامعه از آن برخوردار باشند. همچنین از مهمترین عواملی است که می‌تواند به توسعه و پیشرفت یک جامعه کمک کند. مسئله آموزش زنان از جمله مباحثی است که در طول تاریخ، مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است. آموزش و تحصیل زنان افغان از دستاوردهایی بوده که همواره از سوی دولت سابق افغانستان و مؤسسه‌های تمویل‌کننده بین‌المللی از آن به‌عنوان یک موفقیت یادآوری شده است.

اما با توجه به تحولاتی که در افغانستان از سال ۱۴۰۰ صورت گرفت، مسئله آموزش و تحصیل دختران افغان به حاشیه کشیده شد و زنان افغان از آموزش و تحصیل محروم شدند. هدف از این مقاله، بررسی دستاوردهای آموزش و تحصیل زنان افغان در ۲۰ سال دوران جمهوری است. در این مقاله، سعی شده تا با روش توصیفی-تحلیلی به ابعاد مختلف دستاوردهای آموزش دختران افغان پرداخته شود.

تمرکز این مقاله بر این است که آموزش چگونه توانسته به زنان افغانستان کمک کند تا با ظاهر شدن در بخش‌های مختلف، نقش ارزنده‌ای را در توسعه افغانستان ایفا نمایند.

این مقاله در نهایت با ارائه راهکارها و استراتژی‌هایی برای بهبود وضعیت آموزش دختران افغان در آینده، به‌ویژه در شرایط چالش‌برانگیز حکومت سرپرست افغانستان، سازمان‌های غیردولتی و جامعه بین‌المللی را به تشویق، حمایت و سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش دختران می‌انجامد.

مباحث نظری

الف: تعریف مفاهیم

آموزش: آموزش، حق اساسی بشر است که برای بیرون کردن مردان و زنان از فقر، کاهش سطح نابرابری‌ها و تأمین پایدار کار عمل می‌کند. آموزش، اساس ساختمان هر جامعه است و بهترین سرمایه‌گذاری‌ای به‌شمار می‌رود که کشورها می‌توانند برای ایجاد یک جامعه مرفه، سالم و منصفانه انجام دهند (اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸).

آموزش، به‌عنوان فرایند یادگیری و اشتراک‌گذاری دانش، مهارت و تجربیات از یک نسل به نسل دیگر تعریف می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۵).

زنان و دختران افغان: زنان افغان نیمی از مردم کشور افغانستان را تشکیل می‌دهند و با در نظر داشت جنگ‌هایی که در افغانستان صورت گرفته، دختران و زنان افغان بیشتر از نیمی جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند. زنان افغان، زنانی هستند که در جغرافیای افغانستان تولد شده و مصروف تحصیل و زندگی در افغانستان هستند (انیسی، پیام زن، ۲۰۰۵).

در این تحقیق، دختران افغان به دخترانی اشاره دارند که در محدوده سنی ۶ الی ۲۵ سال هستند و در مکاتب ابتدایی، متوسطه، لیسه و دانشگاه در میان سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ ثبت‌نام کرده‌اند یا در برنامه‌های آموزشی اشتراک داشته‌اند و توانسته‌اند با وجود چالش‌های موجود، دستاوردهایی در جامعه افغانی داشته باشند.

دستاوردها: دستاوردها عبارت‌اند از نتایج حاصل از آموزش دختران در سطح فردی و اجتماعی. این دستاوردها شامل افزایش نرخ سواد، کاهش خشونت جنسیتی، بهبود مشارکت اقتصادی، ارتقای سلامت و افزایش نفوذ سیاسی زنان می‌باشد (سین، ۱۹۹۹، ص ۱۴۸).

توان‌مندسازی: توانمندسازی فرایندی است که افراد جامعه از راه آن، از نیازها و خواسته‌های خود آگاه شده نوعی اعتماد به نفس و خوداتکایی را برای برطرف آن نیازها بدست می‌آورند در تعریفی دیگر توانمندسازی یعنی این‌که مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که با آنها امکان انتخاب براساس خواسته‌ها خود را بدهند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱) توان‌مندسازی به فرایند افزایش قدرت و توانایی افراد برای کنترل زندگی خود و اتخاذ تصمیمات مؤثر در زمینه‌های مختلف اشاره دارد. آموزش یکی از ابزارهای کلیدی برای توان‌مندسازی هر فرد جامعه است که می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس و مشارکت آن‌ها در جامعه منجر شود (احمدی، ۲۰۲۰).

توسعه زیرساخت‌های آموزشی

توسعه، در معنای کلی خود، به فرایند بهبود و ارتقای کیفیت زندگی افراد و جوامع اشاره دارد؛ ولی توسعه زیرساخت آموزشی عبارت است از ساخت و تجهیز مکاتب، تأمین معلمان و منابع آموزشی. این توسعه برای فراهم کردن شرایط یادگیری مناسب برای افراد جامعه ضروری است (یونسکو، ۲۰۱۹).

برابری جنسیتی

پروژه تقسیم حقوق اجتماعی، مسؤولیت‌ها، انتخاب‌ها و فرصت‌ها به‌طور عادلانه میان مرد و زن در تمام جنبه‌های زندگی، عبارت از برابری جنسیتی است. برابری، به‌عنوان یک حق انسانی و شرط اساسی برای دستیابی به صلح و توسعه پایدار شناخته می‌شود (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۱۰).

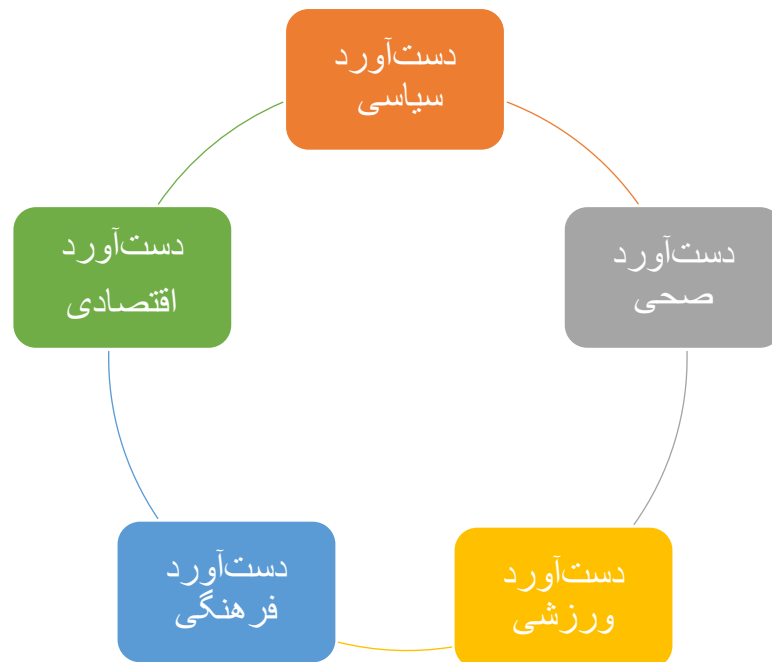
ب: چارچوب نظری

در شروع قرن بیستویک، بعد از ۱۱ سپتامبر و آغاز جنگ علیه تروریسم از سوی آمریکا و همپیمانانش، حکومت طالبان با حمله مشترک آمریکا و نیروهای اتحاد شمال سقوط کرد و نظام جدیدی به‌نام حکومت جمهوری افغانستان پایه‌گذاری شد؛ حکومتی که جایگاه و حقوق زنان یکی از موضوعات محوری در آن به‌شمار می‌رفت و در این دوره به حقوق و آموزش زنان و دختران توجه خاصی از سوی حکومت افغانستان و نهادهای بین‌المللی صورت گرفت (حسین حیدری، ص ۱).

افغانستان کشوری بود که پس از سال‌ها جنگ و محدودیت، از نظر سرمایه انسانی به‌شدت تضعیف شده بود. در سال ۲۰۰۱، نرخ سواد زنان تنها حدود ۱۳٪ بود و بیشتر از ۹۰٪ دختران دسترسی به آموزش نداشتند (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۸). با بازگشت به آموزش، زمینه برای بازسازی جامعه ایجاد شد. گری استنلی بیکر، در کتاب مشهورش سرمایه انسانی در سال ۱۹۹۳، به‌طور برجسته روی سرمایه‌گذاری بر آموزش تأکید کرده است. به تعبیر بیکر، آموزش از جمله مهم‌ترین عوامل به‌رهوری از نیروی انسانی، کاهش فقر، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت سرمایه اجتماعی است (بیکر، ۱۹۹۳، ص ۱۸). به‌اساس این نظریه، هر فرد با مهارت و دانش می‌تواند در پیشرفت کشور، مشارکت در بازار و تصمیم‌گیری آگاهانه نقش مؤثری را در جامعه ایفا نماید.

این نظریه به نقش آموزش دختران افغان نیز صدق می‌کند. دخترانی که تحصیل می‌کنند، نه‌تنها می‌توانند آینده بهتری برای خود بسازند بلکه به بهبود زندگی خانواده، جامعه و نسل‌های آینده نیز کمک می‌کنند. در افغانستان، آموزش دختران از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ در همین چارچوب قابل تحلیل است. حضور فعال زنان در اجتماع، ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بر داشته است. ورود میلیون‌ها زن به مکاتب، تربیت هزاران زن پزشک، معلم، روزنامه‌نگار و وکیل، نه‌تنها ظرفیت انسانی را در افغانستان افزایش داد، بلکه تأثیر مثبتی بر سلامت، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ثبات اجتماعی کشور گذاشت.

۱. دست‌آوردها



۱-۱. دستاوردهایی آموزشی زنان افغان در سیاست افغانستان

زنان افغان که در بازه زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ تحصیل کردند، توانستند در سیاست بدرخشند. مشارکت سیاسی زنان با فراز و فرودهایی هم روبه‌رو شد. دولت وقت افغانستان بر اساس معاهدات بین‌المللی و ایجاد فرهنگ احترام به حقوق زنان، تصدی سه وزارتخانه را به زنان محول کرد. وزارت امور زنان، وزارت امور جوانان و وزارت شهدا و معلولین، توسط وزرای زن اداره می‌شد. همچنین برخی والیان (استانداران) ولایت‌ها نیز از میان زنان انتخاب شده‌اند که خانم حبیبه سرابی نمونه شناخته شده در این زمینه است (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). واگذاری سه وزارتخانه به زنان، تقرر زنان افغان در پست‌های دولتی عالی و نیمه‌عالی، عضویت چند تن از زنان در شورای عالی صلح و مشارکت زنان در انتخابات‌های پارلمانی و ریاست‌جمهوری و اشتراک زنان در برخی از گفتمان‌های صلح، به‌اساس آمار و ارقام، از جمله عمده‌ترین موارد مشارکت زنان در سیاست است^۱. تقریباً تمام دستاوردهای زنان افغان در حوزه سیاست، چه در سطح نمایندگی پارلمان، چه در عرصه دیپلماسی، مدیریت و رهبری مدنی، همه‌وهمه از بستر

۱. گزارش ملل متحد، حقوق زنان، برابری جنسیتی و روند انتقال، ۱۳۹۲، ص ۱۴-۱۵

آموزش برخاسته است. (رامزی، ۲۰۲۱) آموزش نه تنها در زمینه یادگیری دانش و مهارت‌ها زنان را نیرومند می‌سازد، بلکه در ساختن جایگاه سیاسی در جامعه افغانی، بلند بردن اعتماد به نفس و قدرت تحلیل و آگاهی از حقوق سیاسی خویش نیز آن‌ها را کمک می‌کند. (احمدی، ۲۰۲۰، ص ۳۴) در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱، با گسترش آموزش زنان در افغانستان، زنان بسیاری توانستند تحصیل نمایند و در جامعه سنتی افغانستان، با تمام چالش‌های موجود، به جایگاه سیاسی و مدنی دست یابند.

۲-۱. دست‌آورد آموزشی زنان افغان در بخش صحت

آموزش زنان افغان در افغانستان از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ تأثیر مهم و مستقیم بر پیشرفت بخش صحت، به‌خصوص زنان، گذاشت. بین سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۵، درصد زنانی که در دوران بارداری توسط پرسونل صحت ماهر تحت مراقبت‌های قبل از تولد قرار گرفته‌اند، از ۱۶ درصد به ۶۱ درصد رسیده است. میان سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۸، تعداد قابله‌های زن آموزش‌دیده به‌صورت تخمینی از ۴۶۷ به ۴۰۰۰ افزایش یافته است (هویدا، ۱۴۰۴). در افغانستان تا سال ۲۰۱۲، هزاران زن در رشته‌های قابلگی، پرستاری و طب به تحصیل پرداختند و وارد سیستم صحت کشور شدند. حضور بی‌سابقه زنان در این بخش، نه تنها باعث دسترسی بیشتر زنان به خدمات صحتی شد، بلکه حساسیت‌های فرهنگی در زمینه درمان توسط مردان نیز کاهش یافت. آموزش زنان تأثیر مثبتی بر کاهش سوءتغذیه کودکان، افزایش شیردهی مناسب و مشارکت در کمپاین‌های واکسین نیز داشته است (یونسکو، ۲۰۱۵).

۳-۱. دست‌آورد آموزشی زنان در بخش اقتصاد

تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله نیروهای آمریکایی و متحدانش به افغانستان و متعاقباً سرکوب نیروهای طالبان و حضور کشورهای مختلف در این کشور، فرصت طلایی را برای توسعه دموکراسی و حقوق بشر در افغانستان ایجاد کرد. (خاوری و سیمبر، ۱۴۰۱) زنان افغان که در دو دهه اخیر آموزش دیده‌اند، همگام با مردان غیور و زحمت‌کش این کشور در بخش‌های متفاوت از رشد و توسعه جامعه سهم گرفتند. زنان شاغل افغانستان با داشتن نگاهی اقتصادی، متفکرانه و خلاق، و برخوردار از مهارت‌های مختلف، در کنار تربیت فرزندان و زندگی شخصی خویش، به‌عنوان فعال اقتصادی توانستند هم‌دوش مردان، بار سنگین فشارهای اقتصادی را کاهش دهند.

کار در بخش‌های خصوصی اقتصاد مانند: صنایع دستی، خیاطی، قالین‌بافی، کشاورزی، مالداري، آرایشگری و نانوایی و غیره از بخش‌های اقتصادی است که زنان بسیاری در آن فعالیت دارند؛ اما این‌ها

تنها بخش خصوصی است. زنان افغان تجارت‌پیشه با به‌کارگیری مهارت‌هایی که آموزش دیدند، دست به فعالیت‌های کارآفرینی برای زنان افغان دیگر زدند. بیشتر زنان افغان توانستند در بخش‌های فرش، ساختمانی، میوه خشک، صحت، آموزش، صادرات و واردات، خدمات مسافرتی و خدمات‌رسانی فعالیت نمایند و با سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها نه تنها برای خود، بلکه خانواده‌های خود نیز اشتغال‌زایی کنند (هویدا، ۱۴۰۴).

آموزش، رشته عمیقی با توان‌مندسازی اقتصادی زنان دارد. آموزش در رشته‌های تجارت، حسابداری، فناوری، دیجیتال و بازاریابی، زمینه افزایش زنان کارآفرین در افغانستان را فراهم کرده است. به‌اساس گزارش‌هایی که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ از سوی بانک جهانی نشر شد، بیش از ۵۰۰۰ زن در افغانستان موفق به ایجاد کسب‌وکار خود شدند.

۴-۱. دستاوردهای آموزشی زنان افغان در ورزش

زنان افغان با فراگیری آموزش‌های رسمی و غیررسمی توانستند در فاصله سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱، در رشته‌های مختلف ورزشی به سطح ملی و بین‌المللی بدرخشند و افتخارات والایی را برای افغانستان کسب نمایند. از جمله این دستاوردها می‌توان به حضور فعال زنان افغان در رقابت‌های بین‌المللی، توسعه ورزش فوتبال، تکواندو، مشارکت در بسکتبال و المپیک، کوهنوردی و ورزش‌های رزمی و کسب جوایز و مدال‌های پرافتخار اشاره کرد (یونما، ۲۰۱۳). از چهره‌های بارز ورزش زنان افغان می‌توان از کیمیا یوسفزی، صدف رحیمی، منیژه تلاش، محبوبه احدیار، ذکیه خدادی و تهمینه کوهستانی یاد کرد.

۵-۱. دست‌آوردهای فرهنگی زنان

زنان افغان طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱، در بخش فرهنگ دستاوردهای قابل توجهی داشتند. این دستاوردها متأثر از آموزش مهارت‌های مختلف از سوی زنان می‌باشد که تحول بزرگی بر فرهنگ افغانستان داشته است. با گسترش آموزش، شمار نویسندگان، شاعران و روزنامه‌نگاران افغان رشد چشمگیری یافت. پس از دور اول طالبان، زنان به شکل حرفه‌ای وارد عرصه سینما، تئاتر و هنرهای نمایشی شدند و به‌عنوان بازیگر، کارگردان و مستندساز، نقش ارزنده‌ای را در بازتاب وضعیت زنان ایفا نمودند (صدیقی، ۲۰۱۹).

آموزش زنان، این فرصت را به آنان داد تا دست به راه‌اندازی نمایشگاه‌های فرهنگی، مراکز فرهنگی، کتاب‌خانه‌ها و انجمن‌های هنری بزنند (یونسکو، ۲۰۲۰). زنان افغان نه تنها در این بخش فرهنگ‌سازی، که

در رسانه‌ها نیز نقش فعالی داشتند. زنان خبرنگار در برنامه‌های متفاوت رادیویی، تلویزیونی و مطبوعات حضور یافتند. می‌توان گفت زنان افغان حاملان فرهنگ نوین، آگاهی و مدارا در افغانستان شدند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که آموزش دختران طی دو دهه گذشته، مهم‌ترین عامل تحول جایگاه زن در جامعه افغانستان بوده است. بر اساس نظریه سرمایه انسانی، آموزش زمینه‌ساز رشد ظرفیت‌های انسانی و مشارکت در فرایند توسعه است. افغانستان طی دو دهه، شاهد افزایش شمار زنان در عرصه‌های سیاست، بهداشت، کارآفرینی و حتی ورزش بوده است که همه این دستاوردهای زنان از تحصیل و آموزش آنان نشأت می‌گیرد.

از آغاز دوره جمهوری در سال ۲۰۰۱، تعداد دخترانی که به مکتب ثبت‌نام می‌کردند به صفر می‌رسید؛ ولی پس از آن، آمار سواد در افغانستان بالا رفت و آموزش به ابزار مهمی در تغییر اجتماعی در افغانستان تبدیل شد و باعث توانمندسازی زنان افغان و توسعه افغانستان گردید.

آموزش، به عنوان ابزار بنیادین، نقشی تعیین‌کننده در رشد اجتماعی و اقتصادی زنان افغان طی دو دهه اخیر ایفا کرده است. علی‌رغم موانع فراوان، سرمایه‌گذاری در آموزش دختران به نتایجی انجامید که در تاریخ افغانستان بی‌سابقه بود. مهم‌ترین دستاورد زنان طی دو دهه نظام جمهوری، به دست آوردن استقلال مالی آن‌ها می‌باشد. آموزش زنان منجر به افزایش فرصت‌های شغلی، پیشرفت اقتصادی خانواده‌ها و درآمد پایدار شده است. زنان افغان با بهره‌گیری از تحصیلات خود، توانستند دست به راه‌اندازی کسب‌وکارهای موفق بزنند و اشتغال‌زایی کنند.

با مسدود شدن راه آموزش برای دختران و زنان افغان در دوران طالبان، بخش عمده‌ای از این سرمایه انسانی در معرض خطر نابودی قرار دارد. این موضوع نه فقط برای آینده زنان، بلکه برای سرنوشت کلی کشور تهدیدی جدی است. به اساس گزارش‌های سازمان ملل، بیش از ۲۸ میلیون تن، یا دو سوم جمعیت افغانستان، در سال ۲۰۲۳ به کمک‌های بشردوستانه فوری نیاز دارند و این خود نشان‌دهنده عقب‌گرد و آفت اقتصادی خانواده‌ها است که نتیجه کاهش فرصت‌های تحصیلی و شغلی برای زنان افغان در افغانستان است.

بنابراین، با در نظر داشت دستاوردهای زنان در بازه زمانی ۲۰ سال نظام جمهوری، می‌توان گفت که باز کردن درهای تحصیلی و اشتغال‌زایی بر روی زنان می‌تواند نتیجه‌ای مثبت در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان داشته باشد.

پیشنهادهای

این پیشنهادها بر اساس یافته‌های تحقیق و نظریه سرمایه انسانی گری استنلی بکر، با توجه به اهمیت تحصیل و آموزش زنان و شرایط فعلی جامعه افغانستان، تنظیم شده است:

- ۱) بازگشایی فوری درهای مکتب‌ها، دانشگاه‌ها و تمامی مراکز آموزشی بر روی دختران و زنان افغان
- ۲) فشار دیپلماتیک از سوی نهادهای بین‌المللی بر حکومت سرپرست برای بازگشایی مکتب و دانشگاه
- ۳) تخصیص بورسیه‌های تحصیلی برای دختران
- ۴) حمایت نهادهای بین‌المللی از دختران افغان
- ۵) ایجاد مکتب‌ها و آموزشگاه‌های غیررسمی و رایگان برای زنان افغان

منابع و مأخذ

- احمدی، (۲۰۲۰) توانمند سازی زنان افغان از طریق آموزش؛ مطالعه موردی شهر کابل، انتشارات پوهنتون کابل
- انیسی، پیام زن، ۲۰۰۵
- منیژه رامزی، ۲۰۲۱، نقش زنان در اجتماع و سیاست افغانستان: افغانستان، موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان
- فاطمه احمدی، ۱۳۹۹، بررسی وضعیت مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در کشور افغانستان
- عبدالله خاوری، رضا سیمبر، مقایسه حقوق سیاسی - اجتماعی زنان در حکومت جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱) و امارت اسلامی افغانستان (۲۰۲۱ به بعد) و تطبیق آن با دیدگاه اسلامی و قوانین بین‌المللی
- صدیقی، ۲۰۱۹، زنان افغان در سینما؛ چالش‌ها
- محمد رضا هویدا، ۱۴۰۴، روزنامه افغانستان، خلاصه گزارش سیگر
- <http://www.dailafghanistan.com/opinion-detail/php?id =156820>
- کیت کلارک، ۱۴۰۰، حقوق و آزادی‌ها، شبکه تحلیل‌گران افغانستان
- <https://www.afghanistan-analysts.org/dari-pashto/report/rights-freedom/%DA%86%D9%87-%DA>
- گزارش ملل متحد، حقوق زنان، برابر جنسیتی و روند انتقال، ۱۳۹۲، ص ۱۴-۱۵
- اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸
- شادی‌طلب، ژاله، (چالش‌های ۱۹۹۹ مدیریت در سده ترجمه ۲۱؛ عبدالرضا رضایی، تهران، نشر فردا)
- حیدری، حسین. (بی‌تا). حقوق زنان در افغانستان؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات اجتماعی افغانستان، ص ۱)

رضایی، مهری، (۱۳۸۸). «مهم‌ترین چالش‌های حقوقی زنان در افغانستان: آموزش، خشونت و ازدواج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

English Reference:

UNICEF, (2019), Education for every girl: Afghanistan progress report.

United Nations children' fund.

<https://www.unicef.org/afghanistan/reports>

UNESCO, Afghan international, 2021

<http://www.afintl.com/202301229616?source=share-wa>

UNESCO, (2021). Education for Sustainable Development: Key Message

UNESCO, (2020), Afghanistan of culture

Becker, G,S(1993), Human capital: A Theoretical and Empirical Analysis with special reference to education

<https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/H/bo3684032.html>

Sen, Amarty, (1999), Development as freedom. Oxford University press

UNAMA. (2013). Afghanistan: Annual report on protection of civilians in armed conflict 2013. United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA)

<https://unama.unmissions.org>